سال دوم شماره ۲۵۵ — صبح پنجشنبه ۱۰ اسفند ماه ۱۳۲۳ — تك شماره یك ریال و نیم

آذیر

دارنده امتیاز و مدیر
ج. پیشه

«بهای اشتراك»

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و معلمین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهیها بادفتر اداره است

ج
(خیابان لاله‌زار — پاساژ بهار)
تلفن ۹۸۱۷

آذیر روزهای یکشنبه ـ سه‌شنبه ـ پنجشنبه منتشر میشود

این روزنامه عضو جبهه آزادی است

در اصفهان وگیلان صاحبان کارخانه‌هاسیف‌پور فاطمی ودولت آبادی بکمك استاندار آراسته ورئیس‌شهربانی مختاری صدها نفر کارگر را مجروح ومضروب کرده وباموا‌ضعه باشیخ هادی‌طاهری وملك مدنی وامثالهم درصددند هسته آزادی ودموکراسی راکه آنجا نابود کنند. این دسایس درتمام نقاط شروع شده‌و جریان دارد. آزادیخواهان ایران باین باند سیاه ارتجاع جواب شایسته و دندان شکن باید بدهند. کابینهٔ بیات چه‌میکنند؟ چرا سنك را بسته و سك را گشوده اند. آیا اینجاهم مواضعه در کار است؟ مرك بر توطئه کنندگان برضد آزادی ودموکراسی!

کریم کشاورز

آیا دولت هشتصد ملیون به بانك ملی مقروض است؟

موقتی میگفت دولت ۸۰۰ میلیون تومان (دقت کنید هشتصدمیلیون‌تومان) به بانك ملی مقروض است، وزیم بیست ساله وضاخان ۳۰۰ میلیون تومان قرض برای «دموکراسی» بیمراث گذاشته ود پانصد میلیون تفاوت را آقای دکتر میلسپو درنتیجه نداشکاری و ناشیگری وشاید هم سوء نیت اضافه کردند. هیچ دولتی نمیتواند الی غیرالنهایه بودجه‌خویش را بکمك ماشین‌چاپ اسکناس تمدیل کند ادامه این کار بارورشکستگی برابر است. وسپردن بروی این شیب‌خطرناك مارا بسوی افلاس تطمی اقتصادی سوق‌میدهد این عمل بالبال در اعتبار پرز ما هم موثر خواهد بود.

مثلی است میگویند «باوامات‌وقتی اشتباه کرد تا وانش‌را دیر یا زودسرباز باخون خود خواهد پرداخت. موبنجك مثل عبرت آور و بازری است که‌صحت این‌نظر را ثابت میکند.

اما اگرزمامداران اقتصادی اشتباه کنند تا وانش را زحمت کشان‌من وشما و حتی اسل‌های آینده با اضافه‌کاروجان کندن باید بدهیم.

اینجا دیگر صحبت سیاست نیست چاله ها و سوراخها و فضاهای خالی را که در دستگاه مالی و اقتصادی کشور پیداشده‌است با مقاله روزنامه وپرحرفی نمیتوان پرکرد و فقط کار ـ فقط جان کندن مردم است که میتواند آنراجبران کند. طبیعی‌هائی که‌مصدراین اشتباهات بوده و حتی ازآن منتفع شده‌بدون‌توجه در تحمل عواقب آن سهیم نخواهندبود آنان کماکان در عمارات‌مجلل زندگی‌پر شکوه وجلال ولی عبنو انوخودرا شوام خواهند داد (مگر ـ اینکه ملت پرشان را فیجی کند) مردم‌باید جانشان در آید و بزحمهای که‌آقایان به پیکر اقتصاد کشوروارد آورده اندمرهم نهند.

باین نکته در ایران کمتر توجه‌می شود. بهتر بگوئیم هیچ توجه نمی شود. آیا اصلا بچیزی توجه می شود؟ چرا ـ به جیب ـ بمنافع نامشروع به‌بند وبست. میلیسو آمد ووفت. میلیارود ها بما ضرورد. چرخهای‌مالی‌واقتصادی ما را فلج کرد. اجناس را بوساطه‌ملت را برهنه نگاهداشت.

میگویندحتی ارقام برطه‌طراقی که درباره موجودی کنعم و آرد سیلو در گودالهای خود موشوت دروغ بوده است. هیچ فکر نمیکنیم این‌ضرر ماوا که باید بدهند یکی از روزنامه ها نوشته بود او. انگاراکه برودتاهسایش

روز ۲۶ فوریه مصادف با بیست وچهارمین سال انعقاد قرار دادی است که درتمام این مدت باپاه‌واساس‌مناسبات دولتین بوده است.

این قرارداداز قطه نظرما بخصوص حائز اهمیت فوق العاده زیادی میباشد زیرا دربرتو انعقاد آن نه تنها بدوره تسلط ونفوذ سیاست تزارها خاتمه‌داده شد وبدین ترتیب ضنگینی وفشار تحمل ناپذیری ازروی‌دوش‌ملت ایران‌برداشته شد بلکه رخنه‌ها وزنجیر هائی که سایر دولت های امپریالیست خارجی نیز به بهانه‌قرومول گذاشی‌ودوات کاملة لوداد» بردست وپای ما پیچیده بودند، تاحدی ازبین رفت.

گرچه باسقوط وانهدام حکومت چاپارانه تزارها وروی‌کار آمدن‌حکومت جدید شوروی وبخصوص انعقاد قرارداد ۱۹۲۱ شرایط جدیدی درحیات سیاسی ملت ایران پدید آمد ولی نظر باینکه زمامداران کشور ماقادر بتشخیص منافع

باقی‌در صفحه ٤

بمناسبت بیست و چهارمین سال قرارداد

ایران وشوروی

اعتماد زاده

فتنه

من تاکنون ازدشتی، نویسنده ادبی، چیزی نخوانده بودم.

وقتیکه فتنه منتشر شد، بر خود لازم دیدم، برای شناسائی‌این نویسنده «آلامد»، کتاب اورا بدست‌آورم. با اشتیاق شروع بخواندن کردم. بخصوص که مقدمه های سراسر تحسین و اعجاب دواستاد قلم، سعیدی وصورتگر، — که انشاءالله مقصودشان این بود که بحساب نثرفارسی وادبیات باآقای دشتی، مرد سیاسی ونماینده مجلس، نان قرض بدهند — نوید لذتی ناچشیده و درك زیبائی های نادیده بخوانندگان‌میداد. اشتیاق من بحدی بود که به اشاراتی که دکترصورتگر — شاید بیشتر برای‌تبرئه خودش تا برای مقصودداشتن دشنی، با تسکین خاطرخواننده ابرادگیر — در انتهای مقدمه دوم به «غلط هائی که در این کتاب پیدا شده» نموده بود التفاتی نکردم، ودرمعنای این جمله که «گاهی اگرنویسنده‌اندك تاملی درآنچه نوشته بود میکرد، و برای تنقیح جمله ها حوصله میداشت،شاید بلطف‌آن میافزود خیلی دقیق نشدم»

من فتنه را خواندم. از سرتا ته خواندم، با دقت، بامداد وکاهد برای یادداشت. فتنه کتاب مهمی است، در تاریخ ادبیات فارسی جائی خواهد داشت. فتنه امید بخش است، از اینرو که «شاهکار» یك دورهٔ ساقط میباشد، دورهٔ نزدیك بانقراض، دوره‌ای که از هم اکنون دارد فراموش میشود، فتنه، درظاهر ومعنی، با عبارات مغشوش و تصاویرمکرر، با شخصیت ادبی تنك‌مایه وقوعه‌پوستی که نشان میدهد، نمونه ادبیات «سالن پسند» کنونی است. فتنه مانند اشخاص مجهولی که پس‌از مشروطه، مانند قارچ، یکباره در میدان سیاست ایران سربرکشدند، دیس، خام، سرسری، متظاهر، تنك افق و ناجورمیباشد. فتنه، با آن اصطلاحات عربی نامانوس ـ ازقبیل مستصرح، مرغ، ترقب، اموعت، منافسه وغیره — وآن اصراردر آوردن بجا و بیشتر نابجای کلمات فرانسه ـ مانند تاکت، کوکت، ازکتیف، سوبژکتیف، گالان، باسیون، سکسوالیته، فانتوئیه، نوستالژی، اکسانتریك وامثال آن ـ با آن تظاهر خسته کننده به شناسائی بیش‌از یك فوج کتاب و نویسنده اروپائی که‌فقط‌برای این است که خواننده نا آگاه را زیر بارانبهه خیال واطلاع اروپا در آرد، مرا بیاد سیاهان افریقائی استوائی می اندازد.

باقی در صفحه ٤

اخبار مهم

سپاهیان مارشال روکوسوسکی در مغرب شهرخوی بنسر هفتاد کیلو متر پیشروی کرده و شهرهای شلوخالو — شته گری — خامرشتایسن — بالدنبرك و بوبلنیز راتصرف کردند.

میلیسپو رفت

مطابق‌آخرین‌خبری که رسیده است میلیسپو پس از آنکه ملیاردها بملت ما زیان وارد آورد و کشوری را بیچاره‌کرد بیفدد وقت که از آنجا بسوی امریکا حرکت کند و باین‌طریق یکی از اشتباهات بزرك «دموکراسی» ما مختوم کشت. چنانکه در سرمقاله امروز گفته‌ایم ضرر این اشتباهات را مردم زحمت‌کش باید بدهند.

آگهی حکومت نظامی

گاه وبیگاه حکومت نظامی اعلانی دایر بر جلوگیری از اجتماعات منتشر میکند. معلوم نیست علت وجود حکومت نظامی چیست و آقای‌سرتیپ گلشائیان چه میکوید.

گویا شنیدن اخبار ورمانی هوس آقایان قهرمانان شهریور را تحریك کرده است. آقایان باید بدانند که «آتش بازی میکنند.

شورایعالی جبهه آزادی

یکعبر تلگرافی از تبریز حکایت دارد که شورای ایالتی جبهه آزادی در تبریز مرکب از نمایندگان کلیه سازمان های آزادی خواه و مدیران جرائد خاور نو — فریاد — شاهین — آذربایجان و ستاره آذربایجان تشکیل گردیده است.

بنفع از سینما

نمایش میرزا کمال‌الدین

فقط فردا جمعه سه ونیم بعداز ظهر

در سینما تآتر فرهنك باشتراك خیرخواه

برای کارگران که فردا تعطیل دارند قیمت بلیط ۲۰ ریال

مجلس پریروز

پریروز نطق آقای دکتر مصدق «گل سرسبد» مذاکرات مجلس بود. هنوز متن‌کامل نطق ایشان را دردست نداریم ولی تااندازه‌که از خلاصه‌مندرجه در روزنامه ها استنباط می‌شود — ایشان دسته گل تازه‌ای بآب داده‌اند.

کم کم داریم معتقد می‌شویم که‌در گفتار وکردار «آقا» هم عمدی‌درکار است وفقط بعصبانیت وبا ناراحتی نمی توان حمل کرد.

آقای دکتر مصدق ازکابینه آقای بیات خوششان‌نمی‌آید زیرا دکتر میلیسو را ازبین برداشته ماهم ازاین رهگذر بدمان نمی‌آید. ولی تصور میکنیم هات این التفات زیاد آقای دکتر به بیات این باشد که میلیسو در ضمن ناشی‌گری ها وکارهای زیان بخش دیگرش به مالکین فشار وارد می‌آورد.

آقای دکتر فرمودند سهیلی به مجلس چهاردهم «رنك» داد. ما در اینکه مجلس چهاردهم «رنك» دارد حرفی نداریم. «رنك ارتجاع». رنك سوء استفاده ـ «رنك» کیسه پول و «رنك» اوامی وسیع ـ «رنك» احتکار ورنك ملوك الطوایفی اکثریت مجلس بهوهٔ چشم ها میزند. ولی این حرفها را ما توقع نداشتیم از آقای دکتر مصدق بشنویم. ایشان اکنون با این اکثریت همرنك شده‌اند. ایشان‌چه بخواهند — چه نخواهند عملا رنگین گشته‌اند.

نطق چرچیل

لندن بقرار اظهار خبر گزاری انگلیس چرچیل نخست وزیر انگلستان باب مذاکرات را در باره انجمن کریمه که باید سه روز جریان یابد افتتاح نمود همچنین گفت که: انجمن کریمه باحقایق ومشکلات بی نظیری مواجه شد. طوری که نتایج آن از عملیات بسیار باهمیت بشمار میرود و مجلس عوام انگلستان باید نظریه و عقیده خویش در باره آن ابراز دارد.

نخست وزیر انگلستان در آغاز نطق خویش در باره مسائل خاور بار و مهمات سخن راند و اضافه کرده که نیاز بر سائط نقلیه سبب شد که از سال خوار ار ومهمات بکشور های آزاد شده دچار مشکلات گردد

من حاضر نیستم که ذخایر خوار بار و نفت این جزیره را از میزان کنونی کمتر کنم مگر آنکه اطمینان داشته باشم که میتوان جای آنرا بدیدرنگ پر کرده

چرچیل پس از سپاس گذاری از او مهمان نوازی روسها در باره فرانسه و از دعوت نشدن آن کشور بانجمن کریمه سخن گفت نخستین اصل سیاست بریتانیا در اروپا باخترى متوجه این معنی است که یک دولت فرانسه نیرومند باآرتش قوی در اروپای باختری وجود داشته باشد

معهذا سه دولت بزرگ تفق باترجه باین مسئله که مسئولیت اساسی بار جنگ بدوش آنها است نمی توانستند اجازه دهند که حق ملاقاتشان بهر طوری که لازم میدانند محدود شود دولت فرانسه میتواند دو باره تصمیمات انجمن کریمه دلائلی پیدا کند که ما کی از رضایت وخرسندی او باشد نخست وزیر انگلستان یادآوری کرده که در حر حال فرانسه و شورای اروپا کموظایف بسیار مهمی بعهده دار میباشد و ضمناً اظهار داشت که شرایط تسلیم آلمان باحضور فرانسه مورد بحث وبررسی قرار گرفت

کلیه اقداماتی که باید در باره آلمان بعمل آید قبلا در این شورای مهم پیش بینی وتهیه گردیده بطوری که هر آینه فردا دولت آلمان در هم شکسته شود مابامشکلی مواجه خاهیم شد

این ترتیبات آشکارا حاکی است که فرانسه در مسائل اروپا نقشه مهمی بعهده دارد و بهمین جهت است که با متنهای صمیمیت با دو انوی بزرگ دیگر در انجام وظیفه سهیم و شریک گردیده است

تصمیمی که در انجمن کریمه راجع بطرز اتفاد ری در سازمان بین المللی پیشنهاد شده گرفته شد موجب تشکیل انجمن سان فرانسیسکو گردید ولی دولت های سه گانه قرار گذاشته اند تا زمانی که این تصمیم از جانب فرانسه و چین پذیرفته نشده مقررات آن افشا نگردد

در انجمن سان فران سیسکو کلیه دولت های متفق که قبل از ماه مارس ۱۹۴۵ بآلمان وژاپن اعلام جنگ داده اند و اعلامیه انجمن ملت های متفق را امضاء کرده اند شرکت خواهند داشت

سپس چرچیل در مورد لهستان اظهار داشت که روسها در انجمن تهران پیش نهاد کرده بودند که حدود مرزی غربی را از خط آرزون معین گردد

من مطهور روز نمیشوم ولی بخود من این تقسیم که از طرف دولت انگلیس در یک دوره ای که روسها ضعیف بودند وبه چوجه تصور طرفداری از آنها نمیرات پیشنهاد شده برخلاف حق و حقوق عدالت بوده است

این خط مرزی مسلماً مستلزم انضمام لوف بدولت اتحاد جماهیر شوروی میگردد ولی در عوض پروس شاوری در خاور کونیگسبرگ و دانتزیک و سیلزی علیا و برخی نقاط دیگر از خاک آلمان به لهستان واگذار خواهد گردید و این مسئله همنوط بمیل دولت جدید لهستان که تشکیل خواهد یافت می باشد

ما عجالتا دولت لهستانی مقیم لندن را بر سمیت می شناسیم. اگر زمام داران لهستانی مقیم لندن از روز اول به نصیحت ما گوش داده بودند دولت لوبلین تشکیل نمی گردید واجرای بحق حاکمیت و استقلال لهستان هم چرچیل اظهار داشت این موضوع بر انتاز موضوع شطوط سر حدی مهم تر و حیاتی تر میباشد

در این باب هم دولت اتحاد جماهیر شوروی فواید ای فوق العاده رسمی داده که استقلال وحق حاکمیت لهستان کاملا محفوظ و محترم خواهد بود و اکنون دولت انگلستان و آمریکا هم تضمین و عدا تائید کرده اند

در این خصوص هم سازمان بین المللی در موقع خود مسئولیت کاملی بعهده خواهند گرفت

اینک وظیفه خود لهستانی ها میباشد که با کمک و مساعدت متفقین راجع به تشکیل دولت جدید لهستان باهم کنار آیند

از طرفی هم پیشنهاد دولت لهستانی مقیم لندن ودولت لوبلین را متحل کرد و از نو تشکیلات جدید داد زیرا روسها در وقت سر پیروزی خود طی عملیات بر علیه آلمان بحفظ انتظامات در نقاط مذکور محتاج بوده وهستند وممکن بود در نتیجه انحلال این دو دولت خطری متوجه عملیات نهاجمی روس ها گردد.

راجع بانتخابات آینده هم طوری تصمیم گرفته شده که باستثنای احزاب نازی و فاشیست و با طرفدار همکاری با آلمانیها دیگر احزاب همه در عمل انتخابات سهیم و شریک باشند. نیرو های مسلح لهستانی که مطیع اوامر دولت لهستانی مقیم لندن هستند میتوانند در موقع لزوم باهر گونه حمایت وتضمینهائی که خواسته باشند بلهستان مراجعت نموده ونقشی را که برای استقبال وآینده کشور خود در نظر دارند بازی نمایند. راجع بکلیه افراد نظامی لهستانی که تحت فرماندهی ما مشغول پیکار بوده اند اگر مایل باشند مکنست تبعیت دولت انگلیس باآنها را بخود نمود

چرچیل قبل از تعطیل جلسه صبحانه مجلس چنین اظهار داشت:

من از انجمن کریمه واز کلیه ملاقات های دیگر خودمان چنین احساس کرده ام که مارشال استالین و دیگر زمامداران شوروی مایل هستند که در محیط دوستی ومساوات شرافتمندانه ای با دولت های دموکراسی باختری همکاری نمایند. نیز احساس می کنم که همه آنها با بند قول خود هستند.

هیچ دولتی مانند دولت شوروی روسیه تعهدات خودرا ولواینکه مخالف صلاح وصرفه وی باشد بدرستی انجام می دهد.

چرچیل در قسمت دوم نطق خود راجع به ملاقات هائی که در خاور میانه بوقوع پیوسته توضیحات داده چنین گفت:

روزولت از امپراطور حبشه وملک فاروق پادشاه مصر و سلطان عربستان سعودی دعوت کرده بود که در اسماعیلیه

و خاموشی تا آخر حفظ شده است. خنده ها از نیم بالاتر نمیرود. جملات درعین حساسیت ملایم و سنگین است، ولی بهیچ وجه خشن و زننده نمیباشد. لب ها با وجود خاموشی زندجاندار هستند..»

جعفر پیشه‌وری

خاموشی دریا

بقلم ورکور

چاپ دوم ۲۰۰۰ ریال

۲ — ۳

وی را ملاقات نمایند. منهم پس از مذاکرات مفصلی که طبق جریان مذاکرات انجمن کریمه راجع بکار های خودمان و همچنین راجع باوضاع خاور دور با روزولت نمودم در بازدهم همین ماه در اسکندریه از رئیس جمهور امریکا جدا شدم.

بعلاوه ما از اشغال مشترک ایتالیا که راجع به آن جرایید امریکائی یک دشته سوء تفاهمانی انتشار داده بودند مذاکره کردیم.

دراثنای مذاکرات من چند بار از روز وات رئیس جمهوری امریکا و استتینوس وزیر امور خارجه آن کشور تقاضا کردم که آیا دولت امریکا برعلیه تصمیمات متخذه در ایتالیا یاتصمیماتی که دراینجا اتخاذ نکرده ایم اظهار اعتراض وایرادی دارند آن هادر پاسخ بمن رسما اطمینان دادند که بهیچوجه اعتراضی نیست بازهم باید بگویم هنگامی که در ماه اوت گذشته من بایتالیا مسافرت کرده و از آنجا بر گشتم پیشنهاداتی به دولت انگلستان کردم حاکی از آنکه ازشدت اشغال متفقین در ایتالیا کاسته شود تا مصالح آن ملت اندکی تقویت یابد.

نخست وزیر انگلستان گفت که از روز شنبه گذشته تصمیمات نوینی در ایتالیا اتخاذ شده است چون من این پیشنهادات را کرده ام وپذیرفته شده است ازاین رو حاضر نیستم پیشنهاد برخی معافل بخصوص را قبول کنم که می گویند چون در دوره حکومت مسولینی از طرف دولت ایتالیا بهیچوجه بما خسارتی نرسیده ازاین رو دولت انگلستان در باره ایتالیا باید در رفتار سایر دول بسیورز منه پیروی نماید.

من بیش ازاین حاضر نخواهم بود که با قسمت دهنده نقشه های سیاسی نیز درباب ایتالیا دارم نخست وزیر انگلستان اعلامیه اخیر خودرا خاطر نشان ساخت و گفت که ما باایتالیا نیازمند نیستیم و اضافه کرد که این باسخنی بود که من ناگزیر بودم باظهارات برخی معافل روزنامه نگار امریکا بدهم زیرا آنان بما نسبت میدادند که سیاست جابرانه ای درمدیترانه اتخاذ کرده ایم.

من بسیار خوشوقتم از اینکه این اقدامات درامریکا وبا دست کم درکلیه معافل مسئول آن کشور مورد قبول واقع شد. من واین عقیده داشتیم که بسیار نیکو خواهد بود که باهم ازدو زمامداری که بنا بدعوت روزولت بمصر می آیند ملاقات نمائیم.

همچنین وظیفه ما بود که به ملک فاروق تبریک گوئیم و فکر کردیم که با رئیس جمهور سوریه گفتگو کنیم برای آنکه، تا سرحد امکان بآرامش اوضاع سوریه ولبنان کمک کرده باشیم باید تصور کرد که انجمن عمومی در باره مسائل خاور میانه تشکیل یافته است. تنها عدم حضور نایب السلطنه عراق وامیر عبدالله سلطان ماوراء اردن را درآنجا باید کلا واضح و آشکار ساخت.

باقی درصفحه ۳

بقلم ایلیا ارنبورگ

هنگام پرداخت فرا رسیده

بادسردو خیابان‌های طولانی برلین وزوزه میکشید و بیداد میکند. ولی آنچه که مردان و زنان آلمانی را بفرار وا میدارد باد نیست. وحشت است. آنان از خاور بسوی پایتخت آلمان میشافتند. از دانتزیک و برسلاو — از فرانکفورت و کیوسترین. فغان برمی آورند «ای خدا، تانکها رسیدند!» همین دیروز برلین را مامن و ملجائی می پنداشتند ولی اکنون اهالی برلین را گریزان می بینند. برلین برلین را پای گذارده و فرار میکند.

«ما فوق بشر بمیگوید «هرچه دارم میدهم — جائی در قطار برین بدهید» دیگ طبع «مافوق بشر» دیگر را به چیز میفروشد بچوش آورد. با لب حکومت گویان — با تفویض شجره آریا بودن و یابا روپوش طلای دندان قربانیان مایدانیک که ازدهانشان بیرون کشیده است، مردان، زنان آلمانی مانند مه ریزان آسمانه در جاده های یخ بسته و لغزنده — میان توده های برف وه میسرایند. تکه های غائم — بقایای انفجارات گذشته — ژاله خواهی عادی آلمانی — کیف های دستی معتری نقشه بین الدرین و کافذ توالت — عطر های پاریس و والریان سینه بندهائی که جملات مابن کامیف (نیرد من) بر آن نوشته — لیوان آب حو که علامت دولتی بدل بروی آن منقوش است با خود می کشند و میبرند و وحشت زده تکرار میکنند «ای خدا، تانکها رسیدند.»

یکجائی — آن نزدیکی ها گو — دربان نشسته است. وی میخواست در طرف شش هفته روسیه را تسخیر کند گتابی در تحت عنوان «دقت: تانکها رسیدند» نوشته بود. راستی گودر — یان هم نشسته است. اتومبیلش کوشش میکند از اهالی برلین هم جلو بیفتد. «دقت، تانکها رسیدند!» دیگر این عنوان کتاب نیست. این غریو یست که از ته دل گودربان بر می آید. تانک های شوروی بسوی وی میشتابند مجسمه عظیم هندنبورگ تکه تکه شده و بروی زمین پراکنده است. این جا غرور آلمان پایمال گشته است — تکه کوب گشته و دیگر وسانجیری نخواهد داشت.

ما بزور وارد اراضی ممنوع و سر زمین ترق آلمان شدیم. اینجا از دیر بازی گله دارهای گردن سطبر مستعد سکته بخش گون هر چه میخواستند میکردند اینجا دوستدران شلاق — پروسیها و اهالی پومرانی که بصدای بلند مانند غازان آواز میدادند — میاهی میبر داشتند وقت پرداخت دین رسیده. جنگیان ماکه آتش توپخانه را تنظیم میکنند نزدیک قصور و قلعه های توتون ها در آلتشتاد بین واسته رد و ماربنبورگ متفرگشته اند. زمانی — در گذشته روسای قوم بروس گوف مستبرها ودیج مستربها که سلف فوهرر های قد و نیم قد کنونی بودند اینجا به عیش ونوش مشغول بودند. اینجا هشتاد سال پیش مردم لتونی و لهستانیان میگفتند «ما میبریم و در آن جهان آلمانها را اذیت خواهیم کرد. همان طوری که آنان در این جهان ما را راحت نگذاشتند.»

(از تاریخ قدیم نقل میکنیم)

همین دیروز اینجا بروسیان دختران شوروی را شکنجه میکردند. «موعد کیفر فرا رسید.» «در آن دنیا بلکه در سر زمین خودشان. آنان بسوی کنیگسبرگ میشتافتند. «نه غریو وهرای کوخ «نایب السلطنه او کراین» و نه دوبان یخ و نه افراد فولکشتورم هیچ یک نتوانند آنانرا نجات داد.

آنان میتوانند آن کلام محبوب خویش را بیاد آورند. دلشان برای «برق آسمان» تنگ زده بود. «برق آسمان» تحویلشان میدهد. «آن چنین هاجمی آید بدو بوده آن طرف کنیگسبرگ میشتافتند. «نه غریو وهرای کوخ «نایب السلطنه او کراین» و نه دوبان یخ و نه افراد فولکشتورم هیچ یک نتوانند آنانرا نجات داد.

آنان میتوانند آن کلام محبوب خویش را بیاد آورند. دلشان برای «برق آسمان» تنگ زده بود. «برق آسمان» تحویلشان میدهد. «آن چنین هاجمی آید بدو بوده آن طرف کنیگسبرگ میشتافتند. «نه غریو وهرای کوخ «نایب السلطنه او کراین» و نه دوبان یخ و نه افراد فولکشتورم هیچ یک نتوانند آنانرا نجات داد.

آنان میتوانند آن کلام محبوب خویش را بیاد آورند. دلشان برای «برق آسمان» تنگ زده بود. «برق آسمان» تحویلشان میدهد. «آن چنین هاجمی آید بدو بوده آن طرف کنیگسبرگ میشتافتند. «نه غریو وهرای کوخ «نایب السلطنه او کراین» و نه دوبان یخ و نه افراد فولکشتورم هیچ یک نتوانند آنانرا نجات داد.

آنان میتوانند آن کلام محبوب خویش را بیاد آورند. دلشان برای «برق آسمان» تنگ زده بود. «برق آسمان» تحویلشان میدهد. «آن چنین هاجمی آید بدو بوده آن طرف کنیگسبرگ میشتافتند. «نه غریو وهرای کوخ «نایب السلطنه او کراین» و نه دوبان یخ و نه افراد فولکشتورم هیچ یک نتوانند آنانرا نجات داد.

آنان میتوانند آن کلام محبوب خویش را بیاد آورند. دلشان برای «برق آسمان» تنگ زده بود. «برق آسمان» تحویلشان میدهد. «آن چنین هاجمی آید بدو بوده آن طرف کنیگسبرگ میشتافتند. «نه غریو وهرای کوخ «نایب السلطنه او کراین» و نه دوبان یخ و نه افراد فولکشتورم هیچ یک نتوانند آنانرا نجات داد.

امجد الوزاره‌ها

بر ما حکومت میکنند. می دزدند: میبلعند و وقتی یک امجد الوزاره رفت فورا یک صدافت همار جای اورا میگیرد.

پرده پنجم

جناب آقای مدیر کل

شاهکار نمایش های سال که برای ترجمه وتنظیم و تطبیق آن بالوضاع اجتماعی ایران یکدهه از بهترین نویسندگان مدتها وقت گذشته اند

بمناسبت روزنامه مردم وبهیاز

سالون سینما تاتر فرهنگ ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ آذر

۶-۱

ترجمه کریم کشاورز

اثر وانداوا اسیلوسکایا — ۷ —

فقط عشق

واروتسوف برخاست. ابروانش درهم کشیده بود. لباس باعلال در دو تاکی کج و موج میکشت. ماریا تمایلش نکرد که بماند. میخواست با گریشا تنها باشد.

واروتسوف بشتاب پالتو در برکرده موقع وداع دست ماریا را لمس کرد و نگرد و بکوچه — بدیدار بامداد انجو و باد شدید و قطرات نافذ باران شتافت.

چهره را عرضه آن داشت ودر دل خود را ناسزا میگفت.

مشت‌هارادرجیب گره کرده بود. ترامواى برقى كه باز بيش‌ازظرفيت پر بود رفت و وى بجا ماند. پيش خود اندیشید که چنین بهتر است وبا قدم های بلند در کوچه های مرطوب براه افتاد. نسبت بخود بی اندازه خشمناك بود. بعد امواج غضبش با شدت تمام متوجه ماریا گشت. بموهای روشن و شفافش. بانگشتان نازك و چابکش. بتبسم اورابش که گوئی با اشعهٔ درونی روشن شده بود. بصدای ملیح و بلندش وحتی باطلان مرفه و ساکت ومیزی که عکس شوهرش بروی آن بود ودیواری که باز عکس شوهر بر آن نصب بود معطوف گشت. بعد عصبانیت وخشمش متوجه آن‌شوهر گشت. متوجه این گریشاکه عدهٔ یکسال‌تمام‌است‌بست ومعهذا دراطاق‌های مرطوب‌ماند در کنارماریا حاضراست ویا وی‌در ترامواى‌می‌نشیند ودر روشنائی چراغ مانندو جودی‌نامرئی پشت‌میزه‌ارامی‌گیرد و لحظه‌هم مشاراپهارا ترك نمیکوید.

واروتسوف آنقدر ابله نیست که نفهمد مطلب از چه قرار است.ماریا البته با او صحبت میکند. معاشرت میکند. ولی طرز رفتارش باوی همان است که باکودك خردسال و یاخرس بچه پرتیشی میکن بود باشد. واروتسوف دردلهی کرد که وی در نظر ماریا چیزی جز این نیست. وی حضور آن دیگری را حس میکرد. میدانست. حتی گوئی باحواس ظاهر حس میکند. آندیگر حتی‌لحظه هم از ماریا جدا نمیشد.

واروتسوف بصدای بلند بخود گفت:

ـ عجب بدجنس پس‌فطرتی هستم.

حتی برخود لرزید. ولی کسی در کوچه نبود و سخنش را نشنود. کلاه را پائین‌تر کشید و قدم هارا تند تر کرد و سر را پیش‌انداخت و میان باران یخ آسا ره پیمود.

در همان هنگام ماریا بآرامی برخاست وشروع به برداشتن ظروف ازروی میز کرد. صدای کفش راحتی شنیده شد ودر باز شد.

ـ بالاخره رفت.

ـ رفت. آخر دیر بود.

ـ اشتباه و زل نمیکند. البته دیر است.

ـ او که کاری بشما ندارد.

ـ مگر خودش خانه ندارد.

ـ ماما. شما که میدانید او اینجا کسی را ندارد.

ـ دارد یا ندارد فرقی نمیکند — هرچه میخواهد اینجا نخواهد یافت.

ماریا خندید.

ـ ماما — او اینجا درجستجوی چیزی نیست.

بیرزن قرقر کنان گفت:

— من بهتر میدانم. من درزندگی خیلی چیزها دیده ام. یکدارظرف جا باشد خودم جمع میکنم. تو بگیر بخواب. دو بیمارستان آنقدرزحمت می کشی وعوض استراحتهم باید میهمانداری کنی.

ـ ماما. اوکه مهمان نیست. آمد ونشست و رفت. راستی مگر یك خانمان چای حبشان میاید؟

ـ چنك انگو. چای‌چه..

ماریا برای خواب بروی کاناپه جا پیدا شد. خواست بخوابد و بخواب رو بخوابد. بروی کاناپه ببندد تا مجبور نباشد جوابها را درآوردود که لباس را باز کند وبلافاصله ولوری..

ـ این‌چه معنی دارد. تا این وقت کسی‌بنشیند ـ چشمات باز است و نمی بیند....

تاتیانا بطرونا بسوی دیوارورفت وموشاغهٔ پریز برق را درآورد. آهنك بوبولن‌وسط یك‌ضرب قطع‌شد. سروصداخاموش گشت.

ـ بخواب ـ بخواب. خیلی ازروز برآمده است.

نیروی باسخ گفتن نداشت — موج ملامت گری وجودش‌را فراگرفته‌بود ازرفای‌لاجوردی رنگی که کف‌زرین داشت درنظرش مجسم گشت ملودی وآواز بلندی بگوشش رسید — درخشندگی تاملوی‌ازمقابل چشمانش گذشت. خواب میدید. در این خواب گریشائی وجود نداشت ولی ماریا میدانست که این رویا مربوط‌بوی است. این‌موج زرین تبسم اوست — این آهنك اسکین صدای وی است.

از دور ـ خیلی دور صدای زنك ساعت آمد. از ماوراء پنجره که محکم بسته بود آهنك صاف‌زنك بگوش میرسید. رؤیای ماریا این‌صدا هارا به‌گل و درخشندگی وزرق و برق وبسخنان نامفهوم ونشاط انگیزی که هیچوقت درزندگی گفته نشده مبدل میساخت.

کم‌کم بآن اعتقادی رسید که خواب ملالم ولرم ـ خوابی که از اصوات و الفاظ درآن خبرنیست وباستراحت عمیق وی‌سرو صدا تعبیر میشود وجودش را فراگرفت.

ولی حتی در این حکومت مطلق و استراحت کامل بوبولن باستبداد میکوبد خوابیدن‌که خواب‌نه است وبنا این‌که دو این‌خواب گرفته های زیبا و افکار وجودوجود دارد باانتظار گریشارا بخواب می‌بیند.

اخبار کشور

درکمیسیون دارائی

پیش‌ازظهر دیروز کمیسیون دارائی در مجلس تشکیل و نسبت بلایحه دولت راجع باداره املاك ایلات گزارشی تهیه وبرای قرائت‌درجلسه علنی‌مجلس‌فرستاد در موضوع امور مالیات کشاورزی و آئین نامه های مربوط به آن قرار شد درجلسه رسمی مجلس‌تصمیم نقضی‌اتخاذ شود که آیا گرفتن این‌طرزمالیات قانونی است یا خیر؟

اظهار همدردی

مطابق‌تلگراف که ازمصربوزارت امورخارجه داده قتل آقای دکتر احمد ماهر باشا لطمه‌ئی‌وزیرسید روزیکشنبه آقای بوروالی رئیس اداره‌اول سیاسی وزارت امورخارجه‌ازآقای‌کاردارسفارت کبرای مصرملاقات ومراتب تسلیت‌دولت ایران را ابلاغ‌نمودند

مقارن ظهر همانروز آقای کاردار سفارت کبرای مصرملاقات واظهارامتنان کرده‌اند.

ا. تقاء بمقام سفیر کبیر

بقرارا طلاع‌آقای سیدعلی مرزوز بر مختار دولت شاهنشاهی ایران و آقای وزیرمختار دولت چین بمقام سفیر کبیر ا. تقاء حاصل کردند وقرارا ست‌تلگراف مربوطه بایشان امرازطرف‌وزارت امور خارجه صادر ومخابره شود

تجدیدنظر در لایحه‌بودجه

لایحه بودجه سال ۱۳۲۴ که در هفته پیش تقدیم هیئت دولت شده ود در دو جلسه هیئت‌وزیران تحت شور ومطالعه قرار گرفته و مشغول تجدید نظر درصورت عایدات و مخارج‌میباشند چون در اغلب دبیرستان‌ها بنائی‌جهت آزمش و دبیرستان و دستانها ساخته شده که بعداز شهریور ۱۳۲۰ اثاثیه بعضی‌از بین رفته وقسمتی از بنا های مزبور خراب شده برای مرمت ونگاه داری بناهای مزبور مبلغی اعتبارمنظور داشته که دراول‌سال آینده‌عمارات‌مزبور راتعمیر ومورداستفاده قرار دهند.

اعضاء دفتر

دیروز صبح بمناسبت فوت نخست وزیر مصر دفتری درسفارت‌مصربار بود و از ساعت ده صبح تاظهرمتعدجاآقای نخست وزیر آقای‌رئیس مجلس وعده ای از آقایان وزیران و نمایندگان و رجال‌آنرا امضاء نموده اند

کمیسیون‌دارائی

دیروزصبح کمیسیون دارائی‌باحضور آقای وزیر دارائی بریاست آقای‌رفیع تشکیل ولایحه آموزش املاك مطرح و بااصلاحاتی بتصویب رسید و کمیسیون نظام هم بواسطه نبودن اکثریت‌تشکیل نشد.

مهمترین حادثه‌مشت‌زنی

برطبق دعوت نامه ای که امروز بدبیر خانه انجمن رسیده‌عده‌ای ازطرف نیروی امریکائی مقیم‌تهران‌دعوت‌شده‌اند که برای مهمترین مسابقه بکس که دو تاریخ۲۳و۲۴و۲۵ اسفند ماه‌درخرم‌شهر انجام خواهد شد اعزام شوند. بدبیر خانه انجمن مشغول تهیه مقدمات انتخاب هفت تن از ورزشکاران درقسمت بکس است

دردانشکده‌حقوق

روز سه شنبه هشتم اسفند ساعت هانزده برای نخستین بار درایران‌دادگاه تمرینی با حضور هیئت منصفه از طرف دانشجویان در تالار دانشکده حقوق بوسیله انجمن تمرین علمی وکار آموزی دانشکده تشکیل شد.

نطق چرچیل

بقیه‌ازصفحه دوم

چرچیل پس از ابراز تاسف نسبت بنقل نخست‌وزیرمصر چنین اظهارداشت ما بر آنیم که دولت مصر با اعلان جنك با آلمان وژاپون اقدام عاقلانه‌ای‌نمود ما در اینخصوص هیچ فشاری بر دولت مصر وارد نساخته و براستی میتوان گفت که در گذشته درچندین مورد هم‌عقیده‌ما مخالف باین‌اقدام بوده است‌زیرامصون داشتن شهر بر جمعیت و زیبائی قاهره از یك بمباران عمومی دارای مزایای فراوانی بود. مصر یکی از دولت‌های متفق ماست و بنابر این باید در میان سازمان بین‌المللی آینده بمنزله یکی‌از بانیان سازمان صلح شرکت کنند. ما همچنین بس خرسندیم که ترکیه رادر صفوف متفقین بپذیریم ما مدت مدیدی در آغاز جنك بمناسبت‌ضعف نظامی‌ترکیه بی‌ورود این‌کشور دخالت اصرار نکردیم و تنهایس از انجمن تهران‌بود که‌ما نتیجه گرفتیم که‌موضع آن فرارسیده است که ترکیه نیز با خاطر جمعی‌داخل جنك شود در آن زمان دولت ترکیه خودرا قادر باین‌کار نمیدانست‌لکن‌بطرین نا ملایمی‌ماراياری کرد ومادر اینخصوص که اوبزرا ماست‌هیچگونه‌شکی نداشتیم من در عین حال از ملاقات پادشاه این سعود رهبر نامی عربستان سعودی بسی خوشحال شدم و از طرف ملت انگلیس از وفاداری وصمیمیت تزلزل ناپذیروی نسبت به کشور ما و مرام مشترك ما که هیچ‌گاه درخشندگی آن بهنراز ظلمانی ترین روزهای‌خطر هویدا نگردیده‌بود سپاسگزاری کردم اگرچه‌ماهنوز نتوانسته ایم مسائل‌مربوط‌بدنیای عرب ویهودیان فلسطین را حل‌کنیم با اینهمه امیدوارم که بعضی پایان جنك‌میتوان برای‌تامین صلح و پیشرفت ملتهای عرب و بطور کلی ساکنین خاور میانه ترتیب‌های‌قنضی‌داد مذاکرات من با امیراتور حبشه چندان اشکالی‌تولیدنکرد زیرا دراثرماموریت لرد لاوار بحبشه سازش بین دو کشور راجع بدوسال آینده حاصل شده بود.

باری ما توانستیم با شکری‌رئیس سوریه مذاکرات مفصل نمائیم و طی آن بوی حق‌الفدور اندرز دادیم که نسبت بفرانسه رو ه دوستانه‌ای اتخاذ نماید و برای کنار آمدن با فرانسویان شروع بمذاکره کند زیرا هر سازشی که در اینخصوص حاصل گردد نه تنها سوریه بلکه لبنان نیز از آن بهره مند خواهد شد.

من باید بگویم که موقعیت‌دولت انگلیس نسبت بسوریه و لبنان از لحاظ مناسبات آنها با متفق ما فرانسه متکی برقرارداد ۱۹۴۱ مربوط بتامین استقلال سوریه و لبنان است. در آن زمان و پس از آن دولت انگلیس‌علنا اعلان داشته است که هرگز میل ندارد نفوذ انگلیس را در کشورهای سوریه ولبنان جای گزین نفوذ فرانسه نماید ما همچنین عزم داریم که استقلال این کشورهارامحترم‌شمرده‌وبرای‌نگاهداری اوضاع خاصی‌که‌فرانسه ازمدت‌مدیدی پیش در برتومناسبات فرهنگی‌وتاریخی خود در این کشورها برقرار ساخته است حتی‌المقدور کوشش نمائیم و نیز امیدواریم که موقعیت این دولتها در اثر نفوذ یك سازمان بین‌المللی کاملا تحکیم گردد و نیز امتیاز فرانسه‌دراین منطقه برسمیت شمرده شود من برانم که استقلال لبنان و سوریه با امتیاز فرانسه تباینی ندارد با اینهمه ناگزیر بذکر این نکته میباشیم که روسیه و امریکا استقلال لبنان و سوریه را برسمیت شناخته لکن طرفدار موقعیت خاص‌هیچ کشور بیگانه در این ناحیه نمیباشد.

نخست وزیر انگلیس بس ازیادآوری مبور خود در آتن که درآنجا مورد استقبال شایانی‌قرار گرفت اظهارداشت که اکنون ثبات سیاسی در این کشور قطعی است و بنابراین زمامداران یونان باید بحل مسائل مادی و اقتصادی خود خود بپردازند‌ولی بهیچ قیمتی نبایداین موضوع را به بیگانگان محول سازند چرچیل در پایان سخنان خود گفت‌مراد کشور های بزرگ خدمت و نه رهبری است. مابیك‌ك سایر ملتهای بزرگ و کوچك میتوانیم بایجاد یك سازمان بین‌المللی بزرگی نائل گردیم که‌برای نگاهداری حقوق کلیه ملتهای بزرگ و کوچك نیروی مسلح کافی‌در اختیارداشته و بتواند آنها رابرعلیه تجاوز یااجتماع وسائل تجاوز حمایت کند آینده امروز از هر روز بسی درخشنده تر وروشنتر است بنابراین باهم بپیش!

راه‌نو

فهرست مندرجات شماره یازدهم ازسال‌دوم

مواظب کوه یخ باشید. یك فرمان تاریخی از ناصرالدین شاه. اندیشه های دل — این موجود زیبا — برهنگان — میرزا وجب درشال‌ایران گریستی هیرول — بکام ماهیان نخواهند رفت — پیش از این کجا بودیم وچه میکردیم چنین هم نگر میکند تحول فکر بشر — کاریکه طبیعت نکرده بشر میکند وای از آدم — در دودکستان دنیا — گفتار بزرگان — قوای باطنی خود رابشناسید پیش واز مرك — لمانده رحم و شفقت انسانی — کوی ایتالیائی ها در پاریس — چراکسل ویزبرده اید — از جنك اعتصاد الملطنه تاریخ تشکیل مساجد در ایران — رباعیات حجازی قلوم — مطبوعات تازه

آگهی حصر وراثت

بتاریخ ۵ و۱۲ و۱۳۲۳ آقای فریدون (رادمهر) بشناسنامه شماره ۲۸۶۵۹ باستناد یك برگ گواهی نامه و رونوشت شناسنامه دادخواست شماره ۲۳و۱و۲۰۲۹ داده باینکه مرحوم بانوخدیجه بیگم (بدالی) دارنده‌شناسنامه شماره ۱۲۳۶ درتاریخ ۲۱و۳و۱۳۱۸ درتهران جایگاه همیشگی خود وفات یافته ومتقاضی وآقای اسدالله (رادمهر) بشناسنامه شماره ۱۶۸۸۷ پسران و بانوان تاجیه خانم (مبصر روحی) بشناسنامه شماره ۲۳۵۳۶ و سکینه خانم (صدقی) بشناسنامه شماره ۸۴۷۲ دختران متوفی و وراث منحصرش میباشند پس از هنبدن گواهی گواهان مراتب ۳ نوبت متوالی ماهی یك بار در روزنامه رسمی کشور شناسانده و یکی از روزنامه های مرکز آگهی میشود با گذشتن مدت ۳ ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن معترض برحسب تقاضا اقدام خواهد شد و نیز اگر کسی وصیت‌نامه‌ای که متوفی داود در ظرف مدت مزبور ابراز و الا حق وصیت نامه شیراز رسمی وسیق ابراز شود ازمدت اعتبار ساقط خواهد بود.

نوبت اول ۲۵/۱۱/۱۳۲۳ ق ۲۸۵

رئیس مستقل دادگاههای بخش تهران — علی اکبر امامی اهری

آذر

فتنه

بقیه از صفحه اول

این جنتلمن های ساحل عاج تن برهنه وقیرگون خود را بهر زینتی که دردسترس دارند ، ازصدف و شیشه و خرمهره ، میآرایند ، ودرضمن ، برای نشان دادن تجدد خواهی و ابزنشفی مرض « تشخص وتمین » خود ، یك کلاه سبد، پس ماندهٔ بازارهای تولون و مارسی ، را بسر بقهٔ زاند وشکسته بگردن میگذارند . فتنه دوست همین است . چقدری زینت های ناجور و بی تناسب فرنگی ، بر پیکر قهرمانان همانند و یکنواخت این کتاب ، هاریتی است که حتی میل ویشخند و استهزا را در انسان می کشد .

نویسنده فتنه شاید کتاب زیاد خوانده باشد ، شاید طبع حساسی داشته باشد ودلش خیلی خواسته باشد ازروی الگوی کتابهائی که خوانده است منویات خودرا بروی کاغذ بیاورد ، و شاید هم گاهگاه ، خیلی بندرت ، دوبیان مقصود فنی صادقانه پیدا شد : امافسوس : که بی اطلاعی نویسنده ازابتدائی ترین قواعد زبان وسبك نگارش فارسی ، وبدتراز آن تهی دستی علمی وهنری او نگذاشته است اثری تازه و مستقل ، اثری خوش تناسب ومتنوع بوجود آورد ، اثری که اینهمه محتاج تعارف یك ودودست خطا پوش وتملق چندمقاله نویس دوراز هنر نباشد ، اثری که بتواند درمقابل تصرف روزگار تاب آورد وذخیره‌ای از برای آینده گردد .

سبك نوشتن دشتی ماجرایه است ؛ نه اصالت دارد ، نه هنر ، ترکیب عبارات، جائی که غلط نباشد سست است . خطه گذارش بیقاعده و نادرست ، تعبیراتش اغلب سرد وتوصیفاتش متناقض میباشد . کلماتی نظیر «راهنمون» ، «رگاهها» «افشرده» ، تعبیراتی مانند «خشخروج» « قامت پهلوانانه » توصیفاتی از قبیل « دنیا برایم تاریك و مرطوب و براز لهیب وسوزان شده بود » ، « بامنصور خیلی وابگان ودوست هستم » ، جملاتی مثل « آدم کسی را از این جهت دوست میدارد که خوشگل است ، بلکه ازاین جهت که او را خوشگل میداند دوست میدارد » ، « مثل آدمی که دچار اغماء شده و در حال اغماء ادراج وحشتناك می‌بیند . . . » «البته نمیتوانم بگویم حس سعادت اووانحراب کردم ولی در مقابل خود مرد مستقل الفکری را میدید که‌دامنه معاشرتش وسیع واز برای من او اولین ژوپیتا بست و برای متابعت ازمل هوسهای اوخاطر نیستم دیگراورا بلعین بکشم » ، اینهارا شاید بتوان در هرصفحه از کتاب فتنه پیدا کرد .

داستان‌های دشتی همه بریك منوال است گوئی یك حادثه است که دو چند عنوان سکایت‌شده است . قهرمانان این داستانها - چه‌زن‌چه‌مرد - همه یکدیگر شبیه‌اند . حوادثی که باآن‌کوبرو میشوند یکی‌است . احساساتی که بروز میدهند ، عقایدی که اظهار میکنند ، تصاویری که درگفتگو بکارمی‌برند بقدری نزدیك بهم و تکرار یکدیگر است که می توان گفت چند داستان طویلی که چهار پنجم این کتاب راتشکیل میدهد شرح برخورد همان یك‌مرد است باهمان یك‌زن. گذشته ازآن ، دوطول یك داستان هم بعضی عقاید ، برخی تصاویر همینا ، یا اندك تغییر تکرار میشود. شروع در داستان همیشه ساختگی وناشیانه است. همیشه عده‌ای ازمردو زنی که‌مهمانی ، یادر یاچیزهائی‌ازاین‌قبیل، بحث‌میکنند. پس‌از گفتگوی چند ، « که برحسب عادت‌مبدل مشاجره تند وحادی » میشود ، ودرآن « تکرار مدعا محکمترین ادله و بدلائل طرف مقابل گوش ندادن امرواجبی » میگردد ، صحبت یك نفر واگذار می شود ، بااینکه یکی‌نامه‌ای را که معلوم نیست ازطرف کیست ، میخواند ؛ وپس ازیك‌هیجو مقدمهٔ زائد ، که گاهی ده صفحه راسیاه‌میکند ، تازه‌داستان‌دروع می‌شود .

این‌سبك شروع درداستان‌سرائی‌از قدیم دوایران ، وبطور کلی در مشرق زمین ، متداول بوده است ، کلیله ودمنه مرزبان نامه ، هزار و یکشب ، مقامات حمیدی وغیره ، همه براین سیاق نوشته شده‌است . اما گذشته‌ازآنکه این روش امروز پسندیده نیست ، از کسی که آثار فلوبر ، داماً یوسکی ، اسکاوابلند ، آناتول فرانس وغیره‌آشنائی‌دارد ومی خواهد نبال ادبیات اروپائی‌ادر مزرعه منویات ایرانی فرس کند ، یك چنین بد سلیقگی ، حداقل ، جای تعجب است .

ناتمام

www.iran-archive.com

بمناسبت بیست وچهارمین سال قرارداد ایران و شوروی

بقیه از صفحه اول

حقیقی میهن خود بودند وبا بانهایت صمیمیت حلقه نوکری وعبودیت سیاست های خارجی را برگردن انداخته بودند، تواستند ازمساعدت این شرایط جدید استفاده نمایند وبدین ترتیب بنابتقاضای وقت و صلاحدید زمامداران کار آگاه دولت های ذی نفع حکومت‌روزیی به ملت ایران تحمیل گردید که بیش از ۲۰ سال متوی درجه طلا و فشار او روا داشته ، افکار و نهضت های آزادی و دموکراسی حقیقی را خفه نمودوبالاخره وضعی ایجاد کرد که حلل و چربان آن لازم بتوضیح ایست .

دولت جدید الاحداث شوروی که بالاراده کارگران وده‌قانان سرتاسراتحاد جماهیر شوروی بوجود آمده بود ، از آنجائی که متوجه شده بودکه برغی از ملت های همسایه منجمله ایران براثر سیاست امپریالیستی و استعماری دولت تزاری ازآن کشور و نجیده خاطر شده اند ودصدد برآمدکه سیاست آزادی — خواهانه خودرا در قبال کلیه ملت های دنیا ومخصوصاکشور های همسایه‌روشن نماید .

این رویه جدید با رویه های کهنه سابق اختلاف داشت زیرادولت جدید شوروی مستقیماً یك دولت ضداستعمار بود وبا قرارگرفتن دولت ها و ملت های کوچك وضعیف در معرض استعمار دوست های امپریالیست کاملا مخالفت داشت .

دولت شوروی درتعقیب این رویه جدید دست اتحاد ومودت بسوی ایران دراز کرد .

نخستین قدمی که حکومت‌شوروی‌در این‌راه برداشت پیشنهاد دسامبر ۱۹۱۷ مربوط به بیرون بردن قشون روسی‌از ایران بود که از زمان جنك بین‌المللی گذشته در ایران باقی مانده بودند تا بدین ترتیب علاقه خود را نسبت بحفظ استقلال وتمامیت‌ارضی‌ایران ثابت نماید. ضمنا در همان موقع از طرف حکومت شوروی راجع به برقراری مناسبات دیپلوماسی وبازرگانی وانعقاد یکرشته قراردادهای لازم برروی‌اصل‌تساوی‌حقوق پیشنهاداتی شد .

این پیشنهادات که اولین مرتبه در ژانویه ۱۹۱۸ شده بود در سال های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ مجددا تکرار گردیدسیاست‌دولت وقت در ایران و نفوذ سیاست ها و اراده های خارجی مانع‌این‌ازدیکی بود ولی‌سیاست‌دوستانه و روشن دولت شوروی ازیکطرف و فشار معادل مترقی و متجدد ایران از طـرف دیگـر این موانع معنوفی را ازمیان برداشت و بالاخره قرار داد فوریه ۱۹۲۱ دومسکو بامضاء رسید . سیدضیاءالدین طباطبائی که بنابامتیازات روشن خود در آن موقع (مثل حال حاضر) دلال ومامور اجرای نقشه های سیاسی دولت های خارجی بوده و در آن موقع روش‌ضدشوروی بسیاراواضحی داشته است باتهایت و قاحت خودرا از جمله موجدین این قرارداد قلمداد می نماید در صورتیکه غافل از اینکه با این دروغ های شاخدار امتیوان تاریخ را فرعت و روی سوابق ننگین پرده پوشی نمود . . .

با امضاء این قرار داد حکومت شوروی بدون هیچگونه شرط‌ازسیاست استعماری حکومت تزاری نسبت بایران صرفنظر نمود .

تمام قراردادهائی راکه برروی‌عدم تساوی بین روسیه سابق و ایران بسته شده بود وهمچنین قراردادهائی را که بین حکومت تزاری ودولت های دیگر راجع بایران منعقد گردیده بود ، بارهو از درجه اعتبار ساقط نمود .

این قرارداد با الغاء کاپیتولاسیون بزرگترین خدمت را باستقلال قضائـی ایران نمود زیرا تاآنوقت کلیه اختلافات و امور اتباع دولت های خارج در قنسولگری ها ومراجع خودشان حل و فصل میشد و دولت ایران فاقد استقلال قضائی بود .

دولت شوروی اولین دولتی است که کاپیتولاسیون را ملغی ساخت و بدین ترتیب زمینه را برای از بین رفتن این ننك و آلودگی بزرك از دامان ایران مساعد نمود .

دولت شوروی ازکلیه امتیازاتی که دولت تزاری درایران بدست آورده بود مانند راه‌آهن - بنادر - راه های شوسه - ادارات ومرا کز پست وتلگراف- بانك استقراضی و غیره صرفنظر کرده وبلاعوض همه آنها را در اختیار دولت ایران گذاشت .

دولت شوروی از مطالبه قروض سنگین وهنگفتی که دولت ایران‌بدولت تزاری بعهدکار بود ، امتناع نمود وخلاصه ازکلیه‌امتیازات‌نافع‌دولت ایران‌صرفنظر کرد .

این قرارداد سالهای دراز پایه و اساس روابط ومناسبات دودولت ایران و شوروی قرار گرفت ولی شرایط و مقتضیاتی که حکومت دیکتاتوری و کاملا فاشیستی رضا خان را در ایران بوجودآورده وتقویت میکرد ، توسعه و نفوذ افکارهوم نازیسم و فاشیسم در اغلب نقاط جهان منجمله و بخصوص ایران موجب آن شد که علاقه و توجه زمامداران ایران نسبت باین قرارداد مهم وحیاتی کم گردد . ایران یك لانه وپناه‌ضد شوروی گشت وبنوزاد یکی ازحلقه های مستحکم وبسیار مهم زهری که بر گرد گرد اتحاد جماهیر شوروی کشیده شده بود ، دورآمد .

شروع جنك کنونی نقشه‌های‌تهاجمی امپریالیست های‌آلمانی را دراروپا و شرق نزدیك و میانه روشن نموده و ثابت کرد که ایران علی‌الخصوص مورد توجه‌کامل حکومت امپریالیست آلمان بوده‌است درموقعی که این خطر بطور شدیدی درشرف توسعه وافزایش بود وتابع شوربوزماه پیش آمد .

از آن پس طرز رفتار ماموربن دولت شوروی در ایران و حسن نیت کامل زمامداران شوروی ثابت کرد که مواد مهم وحیاتی قرارداد ۱۹۲۱ کاملا ثابت وبارجا است بهمین‌جهت قرارداد اتحاد سه جانبی ایران و شوروی و انگلستان بر پایه این قرار داد بسته شد .

قرارداد فوریه ۱۹۲۱ ازجمله‌دلایل بسیارمحکم وپایداری است که‌عدم‌صحت هر گونه تبلیغات شومی را برای معرفی دولت شوروی بمنزله یك‌دولت استعمار طلب ثابت وبرهن میسازد . حکومت فعلی شوروی زائیده ومولود یك انقلاب بزرك سوسیالیستی است . این حکومت دربرتواراده وجهانبازی توده های عظیم زحمتکش بوجودآمده و باین جهت با هرگونه اقدام وسیاستی‌برای استثمار و تحت فشارقراردادن ملت های کوچك مخالف است وبل ندارد که دست و پای ملت ها ، کوچك را در زجیر اسارت و عبودیت دولت های استعمار طلب نیرومند بسته وگرفتار بیندد . ما قرارداد فوریه ۱۹۲۱ را بنظراحترام کامل مینگریم .

پاینده باد اتحاد ملت های ایران و شوروی

نامه‌ها و تلگرافات وارده

رود سر - عدهٔ از خرده مالکین رود سر تلگرافا شکایت می کنند که بر خلاف قانون‌استرداد املاك مالکین‌جزء عده‌ای محصول املاك ایشان را حیف و میل میکنند .

گرگان - عدهٔ ازکارمندان فرمان‌داری گرگان که اهل‌محل میباشندشکایت کرده‌اند که آقای گودر فرماندار آنجا آنانرا بجرم داشتن رای وعقیده‌مستقل وعدم اطاعت کورکورانه از فرمایشات غیراداری ایشان ازکار برکنارنموده‌اند

طهران - آقای ابوالفضل‌خسروانی شرحی نوشته ومفاد نامهٔ راکه درشماره ۶۸۳ اقدام و ۲۴۹ آذر بر واجع بابل خسروان نوشته شده بود تردید کردهو ضمنا یادآور می‌شودکه بر علیه ایشان پروندهٔ قاطعی وجود ندارد وکراعمال غرض بشود از اتهامات منتسبه تبرئه خواهند شد .

تبریز - آقای ابوالقاسم حوان مدیرکارخانه آقای باقی تبریز تلگرافا شکایت میکنند که عدهٔ مجهول الهویه بکارخانه ایشان شبانه ریخته و دستگاه های قالی را بربوده مبلغی وجه نقد و مقداری رنك باخود برده‌اند وتقاضای رسیدگی واقدام دارد .

میانه‌دوآب - مصطفی صاکن‌ابراهیم آباد تلگرافا شکایت میکند که بدان نام مامور دخانیات بسرار علی‌ولا مبلغ پولی که همراه داشته دزدیده آباد کننده است و ژاندارم‌ها هم با وی کمك کرده اند .

آیا دولت همتصدملیون بیانك ملی مقروض است ؟

بقیه از صفحه اول

با همه چیز ما هوشی میکنند ودرمجلس و بیرون‌مجلس ایلهان ویادزدان‌وغیبات کارانی‌یافت‌میشود که آنراجدی‌میخوانند

دیروز مطلعی میگفت میلیونها قانون مالیات جدیدرا طوری تدوین کرده بود که بنگاههای : ابدی کشورورا شکست کنند و : . رودورهاوبازرگانانی

. بوارد کردن اجناس خارجی

ورزیدی اشتغال دارند فایده برند

ان کار از قبل او منطقی بود او میخواست صنایع‌ونیاد مارا ازبین‌برد میخواست برای بازرگانان کشورخویش که بعداز جنك تعداد بازار خواهندبود و اغلب دربها را دیگران بروبشان بسته‌اند خریدار تهیه کند.

این مسئله اساسیست . هنوزجنك تمام نشده کار خانه پشمینه تبریز دارد درهابش‌را تخته‌میکند. آقایان صاحبان وسهمداران کارخانه‌های دیگرهم‌همین کار را خواهند کرد .

یقدر کفایت دولار در بانکهای امریکا وانگلستان گرد آورده اند . «وطن» رانجات‌داده‌اند. آهن‌پاره‌هاوابلمك ایران گذاشته وميروند.

آنها چندین‌برابر سرمایه‌سودبرده اند . شرکت ریسمان‌ریس سمنان بازده ملیون سرمایه‌داشت ، فقط درسال ۱۳۲۲ هشت‌ملیون سود نشان میدهد . وبیاف فم ۶ ملیون تومان سرمایه‌داشت‌در۱۳۲۲ دهملیون سود برده‌است .

اینکه گفتیم چندین برابر سرمایه درظرف چند سال سود برده‌اند اغراق نبود ، همین کارخانه پشمینه تبریزیکه میگویند مفلس شده سهامش پاوصال ششصد درصد اضافه خریدوفروش‌میشد سوم کارخانه‌های دیگر رانیتهاهم‌بیشتر تقویم‌میشد .

این سودها ملك مزروع شده‌است مستغل شده‌است ویا دولار شده‌است‌و راه امریکا پیش گرفته است ، اکنون پنوبه خود به‌آقایان‌صاحبان کارخانجات سود میدهد . آقایان دیگر علاقه به‌این آهن پاره‌هائی که ملت ایران با عرق جبین خود درزیر بوغ رضاخانی تهیه کرده‌است ندارند . شد شد- نشدشد میگذارند ومیروند . باضافه اینها همه ملکدار شده‌اند. خدا بقوانین ملوك- الطوایفی که هنوز رابطه مالك‌وزارع را درکشور ما معین‌میکند برکت‌دهد پوست ازسر دهقانان میکنند وزندگی پرتجمل خودرا ادامه میدهند، و سیادت و آقائی میکنند، صنایع‌نوزادمادرخطر است . غلطك گران‌اجناس ارزان‌خارجی بعداز جنك متوجه ما هم خواهد شد. دولت‌ها برای جلوگیری از عواقب حتمی خاتم‌جنك وآغاز اقتصادزمان‌صاح جنگی کرده‌اندو میکنند.؟

برای تعدیل بودجه ومصالحت از افلاس‌مالی چه اندیشیده‌اند؟ هیچ‌بدست آوردن چندرای درمجلس ایشانرابیشتر ازاین «مسائل کوچك» مشغول میدارد باز دراین‌خصوص صحبت خواهیم کرد .

چاپخانه واره
تلفن ۶۲۵۸
برای انجام هر گونه سفارشات چاپی حاضر است